

گستره کیفر «تشهیر» در حقوق کیفری ایران

دکتر سید سجاد کاظمی¹

چکیده

«تشهیر» اعلان مجازات مجرم و ندادادن به جرم او در برابر مردم است؛ به‌ویژه در جرایمی که ممکن است به مجرم به‌عنوان امین مردم اعتماد شود تا از این طریق وی را شناخته و از او دوری کنند. «تشهیر» دارای وجهه تنبیهی و سزادهی است و در دسته مجازات‌های پذیرفته‌شده در موازین فقهی قرار می‌گیرد. قانون مجازات اسلامی 1392 نخستین قانونی است که به شکل گسترده‌ای این کیفر را درباره گستره وسیعی از جرایم مورد تصریح قرار داده است. ممکن است این امر در غیاب برخی نکات و شرایط به‌کارگیری این کیفر، در بردارنده آثار منفی برای فرد و جامعه باشد. همچنین در این قانون، به کیفر تشهیر در قالب یکی از مجازات‌های اصلی تعزیری و در قالب مجازاتی تکمیلی (در هر دو شق اختیاری و الزامی آن) توجه شده که در این پژوهش به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تشهیر، انتشار حکم محکومیت، دادگاه، مجازات تکمیلی، ارباب.

1. عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه ملایر / sskazemi92@malayeru.ac.ir

2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی / dehghanm@gmail.com

مقدمه

مجازات تشهیر از جمله مجازات‌های پذیرفته‌شده در نظام کیفری اسلام است که به معنای معرفی مجرم به افراد جامعه و اعلان جرم او به همگان است. اعمال این مجازات در گذشته از طریق جازدن جرم محکوم‌علیه، آویختن زنگوله‌ای بر گردن متهم و گرداندن او در اماکن عمومی و غیره تحقق می‌یافت و در عصر کنونی نیز با انتشار اسامی مجرمان و پخش تصاویر آن‌ها در رسانه‌های گروهی امکان‌پذیر شده است؛ ضمن اینکه برخی از شیوه‌های سنتی نیز همچنان اجرا می‌شود. بررسی شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد این مجازات در حقوق موضوعه ایران و آموزه‌های دینی و همچنین در حقوق برخی کشورها مطرح بوده است (جوان، 1387: 11)، ولی در گذشته در اشکال تردیلی و موهن و برای حفظ اقتدار قوه حاکم اجرا می‌شده است. در مورد مبنای اعمال این کیفر نیز روایت‌ها و اقوال فقها بیانگر این است که این کیفر در برخی جرایم خاص به منظور تحقق هدف بازدارندگی عمومی و جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرم به کار می‌رود (لعل‌علیزاده، 1381: 83).

در کلام بسیاری از فقیهان اسلامی اعم از فقهای امامیه و اهل سنت، در مورد مجرمان مرتکب احتیال (کلاه‌برداری)، تدلیس، قیادت، قذف، محاربه و موارد نفی بلد، بر مشروعیت استفاده از چنین کیفری تصریح شده است (نهایزی، 1390: 52). باین‌همه به نظر می‌رسد با توجه به علت بیان‌شده برای شاهدان زور در ذیل روایات و نیز به حکم قطعی عقل، قلمرو اجرایی چنین واکنش کیفری‌ای منحصر در موارد مصرح در متون روایی و نصوص فقهی نبوده بلکه این کیفر، باید درباره تمامی مجرمانی که با تکیه بر اعتماد عمومی و سوءاستفاده از ناآگاهی آنان، به راه‌های گوناگون، مرتکب فریب‌کاری شده و به اموال و ناموس مردم تعرض می‌کنند و امنیت اجتماعی و اقتصادی ایشان را متزلزل می‌سازند، به کار گرفته شود (ن.ک: مرتاضی، 1393).

پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که رویکرد حقوق کیفری ایران و به‌ویژه قانون مجازات اسلامی 1392 به‌عنوان آخرین اراده قانون‌گذار نسبت به کیفر تشهیر چگونه است؟ در این راستا ابتدا کیفر تشهیر از منظر اندیشه‌های نوین فلسفه کیفری بررسی می‌شود و در ادامه مهم‌ترین مصادیق و شرایط به‌کارگیری آن در حقوق کیفری ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین تمرکز بر مصادیق و موارد موجود در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 خواهد بود.

1. مجازات تشهیر در پرتو آموزه‌های فلسفه کیفری

اهداف ضمانت‌اجراهای کیفری از دیرباز در حقوق جزا مطرح بوده است. از آنجاکه اعمال تدابیر کیفری از بزرگ‌ترین عوامل تحدید آزادی اشخاص به شمار می‌رود، مجریان حقوق کیفری همواره به دنبال یافتن راه‌حلهایی برای توجیه اقدامات مورد بحث بوده‌اند (کدخدایی، 1387: 145)؛ بنابراین بایسته است که در هر نظام کیفری ابتدا اهداف چنین تدابیری تعیین شود تا بتوان در پرتو آن‌ها، جامعه را از هرگونه بی‌نظمی ایمن ساخت. با مطالعه اهداف تدابیر کیفری در طول تاریخ می‌توان دریافت نگرش به آن‌ها، گاه به صورت گذشته‌نگر (غیرپیامدگرا)¹ و زمانی نیز به صورت آینده‌نگر (پیامدگرا)² بوده است. در پرتو این رویکردها می‌توان فلسفه ضمانت‌اجراهای کیفری را در دو گونه تکلیف‌گرا (سزاده) و فایده‌گرا (پیشگیرانه) دسته‌بندی کرد. کارکرد تکلیف‌گرا با گذشته‌نگری، تنها سرزنش بزهکار را دنبال می‌کند، درحالی‌که سیاست فایده‌گرا با آینده‌نگری از یک سو درصدد پیشگیری از بزهکاری نخستین مجرمان احتمالی، و از سوی دیگر به دنبال پیشگیری از بزهکاری دوباره مجرمان واقعی است (نیازپور، 1395: 146).

تشهیر از جمله واکنش‌های کیفری شرمسارکننده است که میراث‌دار کیفرهای تزدیلی در گذشته قلمداد می‌شود (دورانت، 1387: 319). در نگاهی کلی، فلسفه ضمانت‌اجراهای کیفری قابلیت تقسیم‌شدن به فلسفه گذشته‌نگر و آینده‌نگر را دارد (رستمی و زارع، 1392: 139). رویکرد فلسفی آینده‌نگر با نوعی ژرف‌اندیشی به دنبال فایده‌مندی بیشتر برای ضمانت‌اجراهاست و در مقابل، رویکرد فلسفی گذشته‌نگر با نگرش صرف به گذشته و فارغ از هرگونه تفکر سودمندگرایانه، همواره سرزنش بزهکار را دنبال می‌کند. از آنجاکه کیفر تشهیر، ریشه در کیفرهای رسواکننده سابق دارد و با به‌کارگیری برخی روش‌ها مانند انتشار حکم محکومیت، صرفاً در شیوه شرمسارکنندگی مدرن شده است، با اهداف گذشته‌نگر به‌عنوان اهدافی سرکوب‌گرا تطابق بیشتری دارد و همواره در تأمین فلسفه آینده‌نگر کیفرها ناکام خواهد بود. این امر می‌تواند مشوق قانون‌گذار در حذف یا دست‌کم محدودکردن آن در جرایم مشخص و معین باشد.

برخی مصادیق کیفر تشهیر مانند انتشار حکم محکومیت، هرچند در شیوه رسواکنندگی مدرن است، ولی از نظر ذات و ماهیت، ریشه در کیفرهای تزدیلی گذشته دارد. تطابق یا عدم تطابق

1. Non- Consequentialist
2. Consequentialist

ضمانت اجرا با فلسفه کیفرها موضوعی است که می‌تواند افق‌های نوینی را فراروی قانون‌گذاران کیفری که حفظ حیثیت و شرف انسانی را به دوش می‌کشند، قرار دهد. از رهگذر فلسفه کیفری گذشته‌نگر، هدف انتقام‌جویی و هدف سزادهی همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد. هرچند برخی اندیشمندان پذیرای این نگرش هستند که امروزه هدف انتقام‌جویی از جامعه بشری رخت بر بسته است، ولی در مقابل به پیروی از مکتب انسان‌شناسی حقوقی هنوز می‌توان به جایگاه این هدف قائل بود (رولان، 1395: 35). بدین ترتیب مجازات تشهیر به جهت دارابودن ویژگی شدید رسواکنندگی در بردارنده این هدف است؛ به این دلیل که همواره افراد جامعه می‌توانند در جرایم مهم - به‌ویژه جرایم علیه اموال و مالکیت عمومی - و با تفویض اختیار اجرای کیفر شرمسارکننده، این حس غریزی را متقاعد سازند. از نقطه نظر هدف سزادهی نیز ضمانت اجرای مورد بحث با دارابودن ویژگی بارز شرمسارکنندگی دارای بُعد سزادهی است؛ متنها به جهت اینکه با بار سلب حیثیت و آبرو، دیگر اعتماد محاط‌شده اجتماعی دیگری برای بزهکار باقی نمی‌ماند، چنین ضمانت‌اجراهایی معمولاً و صرفاً در مرتبه نخست، قادر به تأمین غایت سزادهی است.

بحث دیگر تحلیل ضمانت اجرای تشهیر از منظر فلسفه کیفری آینده‌نگر است. در ارتباط با هدف بازدارندگی، از یک جهت این نوع ضمانت اجرا در عرصه ارعاب خاص ناکام است و این نتیجه ریشه در این واقعیت دارد که افراد مجرم با ازدست دادن حیثیت و آبرو و زائل کردن هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی خویش، دگرباره از ارتکاب جرم نخواهند ترسید. در واقع مجرم دیگر عنصر حیاتی مهم‌تر از اعتماد محاط‌شده اجتماعی را برای از دست دادن ندارد. از رویکرد بازدارندگی عام نیز هرچند هراس افراد برای ازدست دادن سرمایه اجتماعی امری بازدارنده محسوب می‌شود، ولی این ادعا چندان هم نیازمند اثبات نیست، زیرا از یک جهت امروزه نفس کارکرد بازدارندگی عام کیفرها مورد تردید است (طلیعه، 1386: 162) و از جهت دیگر، کیفرها - به‌ویژه تشهیر - صرفاً در تیپ‌های خاصی از شخصیت افراد، نقش ارعاب عام را بازی می‌کنند.

هدف آینده‌نگرانه بعدی، حذف و طرد مجرمان¹ است که امروزه نیز در قالب کیفرشناسی نوین مورد توجه قرار شده است. ضمانت اجرای مورد بحث، به‌رغم آنکه به طور فیزیکی مجرم را از صحنه اجتماع طرد نمی‌کنند، ولی این پتانسیل را دارند که با سلب مهم‌ترین شریان حیاتی هر انسان

1. Incapacitation

حیثیت اجتماعی) وی را از نظر معنوی نیز از جامعه حذف کنند (معدفر، 1387: 379). از آنجاکه حیثیت افراد تنها یک بار قابلیت سلب شدن دارد، چنین ضمانت‌اجرایی صرفاً برای یک بار واجد هدف مزبور است. از نقطه نظر هدف بازپروری که از اهداف نوین آینده‌نگر به شمار می‌آید، از آن جهت که این کارکرد نیازمند راهکارهایی از جمله سیاست افتراقی نسبت به مجرمان (سیاست افتراقی در راستای خصایص شخصی و کارنامه مجرمانه افراد) و ایجاد موقعیت‌های مناسب پساکیفری است و ضمانت‌اجرای مورد بحث در حقوق ایران فاقد راهکارهای مزبور است، بنابراین تشهیر در دستیابی به این هدف نیز ناکام می‌ماند.

در دنیای امروز، کیفر تشهیر در قالب روش‌هایی مانند انتشار حکم محکومیت کیفری در بسیاری از کشورها¹ مورد استفاده قرار می‌گیرد و تا حدودی توانسته است در برخی جرایم خاص مانند کلاهبرداری‌های گسترده یا جرایمی که به اصطلاح به «جرایم اقتصادی»² معروف هستند، کارایی و اثرات مثبت خود را نشان دهد؛ از این رو در صورتی که قانون‌گذار بخواهد از این نوع کیفر استفاده کند، برای پرهیز از اثرات مخرب آن در آینده مجرم و جلوگیری از برچسب خوردن تعداد بسیاری از افراد، باید موارد آن را محدود و مشخص به جرایم خاصی کند که واقعاً استفاده از این نوع مجازات ضرورت دارد. همچنین قانون‌گذار باید در همین موارد مشخص نیز شرایط و ضوابطی را چه از نظر نوع رسانه منتشرکننده حکم محکومیت و چه از نظر سایر ابعاد تعیین کند تا در عرصه اجرا، آثار منفی این کیفر برای فرد و جامعه به کمترین میزان برسد.

2. جلوه‌های کیفر تشهیر در قوانین جزایی ایران

در این قسمت به بررسی قوانین کیفری ایران در زمینه پذیرش و استفاده از تشهیر یا عدم پذیرش آن پرداخته می‌شود. در زمینه قوانین کیفری ایران نیز چه در قوانین پیشین و چه در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 مواردی از تشهیر وجود دارد که به آن‌ها پرداخته می‌شود. تا پیش از قانون مجازات اسلامی فعلی، موارد کاربرد تشهیر در حقوق کیفری ایران بسیار اندک و محدود به موارد خاص و مشخصی بود اما به نظر می‌رسد در قانون مجازات اسلامی 1392،

1. مصادیقی از تشهیر مانند انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها یا نصب پارچه‌نوشته و چسباندن حکم بر سر درب دادگاه در محل زندگی فرد را می‌توان در قوانین جزایی فرانسه، لیبی، مصر، لبنان و افغانستان مشاهده کرد.

2. Economic Offences

قانون‌گذار مجازات تشهیر را به‌عنوان یکی از مجازات‌های بسیار پُرکاربرد مورد پذیرش قرار داده است که از وضعیت خاص و محدودی که در گذشته داشته است، به مجازاتی تبدیل شده است که دایرهٔ مصادیق آن بیشتر و گسترده‌تر از پیش شده است. در این قسمت ابتدا به بررسی موارد تشهیر در قوانین پیشین و پراکنده پرداخته شده و در ادامه وضعیت تشهیر در قانون مجازات اسلامی 1392 در دستور کار و بررسی قرار می‌گیرد.

2-1. مجازات تشهیر در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب 1339

مجازات تشهیر با این عنوان، جایگاهی در سوابق قانون‌گذاری ما ندارد و در هیچ‌کدام از قوانین کیفری ایران از واژه «تشهیر» استفاده نشده است، اما برخی از مصادیق این کیفر مانند انتشار حکم محکومیت قطعی محکوم در رسانه‌های گروهی یا تراشیدن موی سر محکوم‌علیه مورد تصریح قرار گرفته است. به نظر می‌رسد نخستین مقرر در رابطه با پیش‌بینی کیفر تشهیر به آیین‌نامه دلانان معاملات ملکی مصوب 1319 باز می‌شود. به موجب تبصره الحاقی به ماده 10 این آیین‌نامه «کلیه دادرها مکلف‌اند به محض صدور کیفرخواست علیه دلانان معاملات ملکی، مراتب را به وسیله ثبت محل به اداره کل ثبت اطلاع دهند و هرگاه در نتیجهٔ کیفرخواست، دادنامه علیه دلانان صادر و به مرحله قطعیت برسد، دوباره موضوع را به وسیله ثبت محل به اطلاع اداره ثبت برسانند. در مورد اخیر در صورتی که محکومیت دلال به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های بزرگ مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت و غیره باشد، اداره کل ثبت، مراتب را به وسیله نزدیک‌ترین روزنامه محل، به اطلاع اهالی خواهد رساند».

گذشته از این حکم که به جرایم ارتكابی دلانان معاملات ملکی ارتباط داشته و هنوز هم لازم‌الاجراست، مهم‌ترین قانونی که تا پیش از قانون مجازات اسلامی 1392 به‌صراحت حکم ویژه‌ای را دربارهٔ انتشار حکم محکومیت مرتکب جرم در رسانه‌ها ابراز می‌داشت، قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب 1339 است.¹ علاوه‌براین قانون، ماده 17 قانون بیان می‌دارد: «هرگاه منافع عمومی یا منافع مدعی خصوصی ایجاب کند، دادگاه صادرکننده حکم دستور انتشار حکم را پس از قطعیت، با هزینهٔ محکوم‌علیه صادر می‌کند، هرگاه منافع عمومی یا منافع متهمی که برائت حاصل کرده است

1. گفتنی است این قانون به موجب قانون مجازات اسلامی 1392 به‌طور صریح مورد نسخ قرار گرفته است.

ایجاب کند، دادگاه دستور انتشار حکم برائت را پس از قطعیت ذی‌نفع یا متقاضی به هزینه اعلام‌کننده جرم صادر می‌کند.

همان‌گونه که مشخص است در این قانون که تا سال‌ها قانونی مترقی شناخته می‌شد که براساس تحولات و پیشرفت‌های علمی تدوین شده بود، انتشار حکم محکومیت در اختیار و به اجازه دادگاه واگذار شده بود. البته در طول این سال‌ها محاکم بسیار اندکی از این حکم صریح قانونی استفاده کرده و معمولاً قضاات از این اختیار قانونی که گاهی به‌کارگیری آن برای اعاده نظم عمومی یا ارباب عام لازم به نظر می‌رسید، بهره‌ای نمی‌بردند.

در ماده 17 قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب 1339، شرطی برای انتشار حکم محکومیت مقرر شده است و آن هم احراز منافع عمومی یا منافع مدعی خصوصی است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، در مواردی که جرم ارتكابی با منافع بخش عمده‌ای از افراد یک شهر یا کل کشور ارتباط دارد یا اینکه مرتکب از مقامات دولتی یا دارای منصب و منزلت مشخصی است، انتشار حکم محکومیت قطعی وی می‌تواند منافع و مزایایی را برای جامعه به دنبال داشته باشد. همچنین شرط دیگر برای دستور انتشار حکم محکومیت، قطعیت آن است. منظور از حکم قطعی این است که تمام مراحل عادی اعتراض را پشت سر گذاشته باشد. مراحل عادی اعتراض نیز عبارتند از: واخواهی و تجدیدنظرخواهی (شمس، 1398: 278). با پشت‌سرگذاشتن این مراحل، رأی و دادنامه صادره قطعی محسوب شده و قابل اجرا خواهد بود. همچنین راه‌های فوق‌العاده اعتراض مانند اعاده دادرسی نمی‌توانند خللی در قطعیت و اجرای حکم صادره ایجاد کنند. در نهایت اینکه حکم صادره به هزینه خود محکوم‌علیه منتشر خواهد شد. البته قانون فرضی را در نظر نگرفته بود که چنانچه محکوم از پرداخت هزینه انتشار حکم خودداری ورزد، تکلیف چه خواهد بود؟ آیا انتشار حکم متفی خواهد شد یا حکم محکومیت قطعی وی به هزینه دولت، در رسانه‌های گروهی منتشر خواهد شد که فرض دوم به صواب نزدیک‌تر است.

قانون‌گذار فرضی را نیز در نظر گرفته بود که متهمی که پیش‌تر تحت عنوان اتهامی مورد تعقیب قرار گرفته و تعقیب وی منجر به صدور حکم برائت شده است، برای رفع آثار ناشی از برچسب مجرمانه‌ای که به وی وارد شده است، بتواند از این حق برخوردار شود که حکم برائت‌اش انتشار یابد که این نیز می‌تواند یکی از کارکردهای تشهیر را تداعی کند که البته در راستای حمایت از متهم به کار می‌رود.

در نهایت یک پرسش باقی می‌ماند، حکم محکومیت در چه رسانه‌ای منتشر خواهد شد؟ آیا می‌توان آن را در روزنامه‌های محلی منتشر کرد یا در روزنامه‌های کثیرالانتشار نیز این امکان وجود دارد؟ آیا رسانه‌های گروهی با مخاطبان گسترده‌تری مانند تلویزیون و رادیو نیز می‌توانند در این زمینه مورد استفاده قرار گیرند؟ همچنین وضعیت شبکه‌های اجتماعی یا سایت‌های اینترنتی چگونه خواهد بود؟ هرکدام از این وسایل ارتباط جمعی مخاطبان خاص خود را داشته و انتشار حکم محکومیت در آن‌ها آثار خاص خود را برای محکوم‌علیه و جامعه به همراه خواهد داشت. بی‌شک محکوم‌علیه تمایل دارد حکم محکومیت‌اش در رسانه‌هایی با مخاطبان محدود مانند روزنامه‌ای محلی منتشر شود تا در رسانه‌ای با مخاطبان بسیار گسترده مانند تلویزیون یا روزنامه‌های کثیرالانتشار.

در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب 1339 هیچ مقرره‌ای در این زمینه وجود نداشت. به نظر می‌رسد با توجه به کلی‌بودن ماده این قانون 17 و همچنین اعطای اختیارات گسترده به دادگاه در این زمینه، انتخاب نوع رسانه‌ای که منتشرکننده حکم محکومیت خواهد بود، بر عهده دادگاه است. بی‌تردید پذیرش چنین نظری مخالف تفسیر به نفع متهم است که در امور کیفری کاربرد دارد؛ هرچند در عمل نیز چاره‌ای جز به‌کارگیری این نظر وجود ندارد مگر اینکه این محدودیت را برای دادگاه قائل باشیم که تنها می‌تواند دستور حکم محکومیت وی را در روزنامه‌های محلی یا کثیرالانتشار (بسته به گستردگی ابعاد جرم ارتكابی) صادر کند و نمی‌تواند از سایر ابزارها و رسانه‌های جمعی فراگیرتری مانند رسانه‌های دیداری و شنیداری بهره بگیرد.

2-2. مجازات تشهیر در قانون مجازات اسلامی 1392

قانون مجازات اسلامی 1392 در مقایسه با قوانین کیفری پیشین، در بسیاری جهات قانونی پیشرو به شمار می‌رود. در این قانون، در راستای حمایت از مرتکب جرم و با به‌کارگیری اندیشه‌های نوین کیفرزدایی، حبس‌زدایی و همچنین قضازدایی، نهادهای نوینی وارد سیاست کیفری تقنینی کشور شده است؛ همچنین برخی اقدامات مانند درجه‌بندی تعزیرات که تاکنون در نظام قانونی ایران مسبوق به سابقه نبوده است، از دیگر نکات مثبت قانون جدید است، ولی در رابطه با موضوع تشهیر، به نظر می‌رسد قانون جدید این نوع مجازات را با توجه به آثار مثبتی که در صورت به‌کارگیری صحیح می‌تواند به دنبال داشته باشد، به صورت گسترده‌ای به کار گرفته است. برخلاف سابق که باید ردپای

مجازات تشهیر در برخی مواد و جرایم خاص و آن هم به صورت کاملاً استثنایی دنبال می‌شد، در این قانون تشهیر مجازاتی پُرکاربرد و قابل استفاده در بسیاری از جرایم معرفی شده است که در ادامه به صورت مفصل موارد استفاده فراوان این مجازات در قانون جدید مورد بحث قرار خواهد گرفت. پیش از ورود به بحث اصلی، بیان این نکته ضروری است که در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 نیز مانند قوانین گذشته، هیچ‌گونه مجازاتی با عنوان «تشهیر» بیان نشده است و برای بحث در این زمینه تنها یکی از مصادیق و روش‌های به‌کارگیری مجازات تشهیر یعنی انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها به کار رفته است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار عامدانه دست به این کار زده باشد و با توجه به اینکه در صورت به‌کارگیری نادرست مجازات تشهیر، این امر می‌تواند آثار مخرب و زیان‌باری در اصلاح مرتکب و آینده وی به بار بیاورد، از سایر روش‌های تشهیر مانند گرداندن مجرم در شهر صحبتی به میان نیامده است. متأسفانه در عمل مشاهده می‌شود گاهی ضابطان دادگستری به گرداندن افرادی با عنوان «اراذل و اوباش» یا متهمان و مجرمان دیگر به وضعی نامطلوب در سطح جامعه اقدام می‌کنند که با موازین قانونی مطابقت ندارد و در قوانین کیفری فعلی چنین شیوه‌ای مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است.

دلیل دیگر اقدام قانون‌گذار در استفاده نکردن از سایر ابزارهای تشهیر را می‌توان در گستردگی جوامع فعلی و سادگی و محدود بودن جوامع گذشته جست‌وجو کرد. برای مثال، در گذشته برای تشهیر مجرمی که در ارتباط با شغل خود مرتکب جرم کلاه‌برداری شده بود یا شهادت کذب داده بود، همین قدر کافی بود که در محل زندگی یا کسب گردانیده شود؛ بدین ترتیب نتیجه به دست آمده بود، ولی در عصر حاضر و با توجه به آسان‌تر شدن مسافرت و دسترسی به سایر شهرها و کشورها، ابزار تشهیر نیازمند تحول و دگرگونی است تا مهم‌ترین هدف تشهیر که همانا پیشگیری از بروز جرایم مشابه بعدی با شناسایی مجرم به دیگران است، تأمین شود؛ بنابراین در قانون مصوب 1392 هرچا صحبت از مجازات تشهیر می‌شود منظور یکی از مصادیق این مجازات است که انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌هاست و البته بارزترین روش به‌کارگیری مجازات تشهیر در عصر نوین نیز به شمار می‌رود.

برای بررسی وضعیت مجازات تشهیر در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 می‌توان این مجازات را در دو سطح جداگانه مورد بحث قرار داد: تشهیر به‌عنوان مجازات اصلی، و تشهیر به‌عنوان مجازات تکمیلی.

1-2-2. تشهیر به عنوان مجازات اصلی

در قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری برای هر دوی اشخاص حقیقی و حقوقی در نظر گرفته شده است؛ از این رو بررسی کاربرد تشهیر بر اشخاص حقیقی و حقوقی جداگانه بررسی می‌شود.

الف) مجازات تشهیر برای اشخاص حقیقی

مجازات‌های اصلی در قانون مجازات اسلامی به چهار دسته تقسیم شده‌اند. به موجب ماده 14 این قانون، مجازات‌های اصلی عبارتند از: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات. مهم‌ترین تفاوت این دسته‌بندی با قوانین سابق، این است که مجازات‌های بازدارنده که یکی از مجازات‌های اصلی در کنار سایر مجازات‌ها آمده بود، در این قانون به درستی حذف شده‌اند و مصادیق این نوع مجازات نیز زیر عنوان مجازات‌های تعزیری قرار گرفته است. از دیگر نوآوری‌های قانون جدید، درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری به هشت درجه است که در راستای آسان‌تر کردن کار دادگاه‌ها و نظم‌بخشی به مجازات‌های تعزیری که اکثریت مجازات‌های قانونی را تشکیل می‌دهند، تنظیم شده است. تشهیر که از نظر فقهی مجازات تعزیری شناخته شده‌ای در قانون مجازات اسلامی 1392 است نیز در دسته مجازات‌های تعزیری قرار گرفته است و می‌توان گفت در دیگر مجازات‌های اصلی قانونی یعنی قصاص، دیات و حدود سخنی از تشهیر به میان نیامده است. البته در موازین فقهی برای برخی جرایم مستوجب حد مانند قوادی و کذب علاوه بر مجازات‌های حدی، تشهیر به کار رفته است (عوده، 1413ق: 194)، ولی مجازات‌های پیش‌بینی شده برای این دو جرم در قانون مجازات اسلامی تنها شلاق بوده است و در مراتب بعدی نیز تبعید یا اعدام مرتکب در نظر گرفته شده است ولی سخنی از مجازات تشهیر به میان نیامده است.

درباره به کار نرفتن مجازات تشهیر برای مرتکبان جرایم حدی به عنوان کیفر اصلی در قانون، یک استثنا بیان شده است. به موجب ماده 229 قانون در صورتی که مرد متأهل پیش از دخول، مرتکب جرم زنا شود، مجازات وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به میزان یک سال است.¹ همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شده است، در منابع فقهی تراشیدن موی سر یکی از راه‌های تشهیر به حساب می‌آید که در این ماده پیش‌بینی شده است.

1. ماده 229 قانون مجازات اسلامی: «مردی که همسر دائم دارد، هرگاه پیش از دخول، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است.»

نکته دیگر درباره جرایم حدی این است که برخی مجازات‌های قابل‌اعمال برای جرایم حدی می‌تواند به نوعی متضمن تشهیر مرتکب جرم نیز باشند؛ در واقع اگرچه در جرایم خاصی مانند سرقت حدی یا محاربه، یکی از مجازات‌های حدی قابل‌اعمال بر مرتکب، قطع عضو است ولی با اجرای قطع عضو مرتکب، به نوعی مجازات تشهیر نیز درباره‌اش به اجرا درآمده است. پس از اجرای حد و حضور مرتکب در جامعه، همگان متوجه ارتکاب جرم توسط وی شده و در نتیجه اشتهارش به ارتکاب جرم، بر دیگران مشخص می‌شود. در نهایت اینکه اگرچه در قانون مجازات سابق یا در برخی قوانین خاص مانند قانون اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، اجرای مجازات در ملأ عام یا علنی پیش‌بینی شده است، ولی این موضوع تشهیر به حساب نیامده است و اگرچه این موارد شباهت‌هایی با مجازات تشهیر دارند، اما در زمره مصادیق این نوع مجازات به حساب نمی‌آیند. در واقع اجرای مجازات در ملأ عام شیوه‌ای برای اجرای مجازات است و خود مجازات مستقلی شناخته نمی‌شود، این در حالی است که تشهیر مجازاتی مستقل در کنار سایر مجازات‌هاست.

صرف‌نظر از موارد گفته‌شده، در قانون مجازات اسلامی تشهیر تنها در جرایم مستوجب تعزیر پیش‌بینی شده است. در ماده 16 قانون، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری درجه شش مورد تصریح قرار گرفته است.¹

جرایم متعددی در قانون هستند که مجازات‌های قابل‌اعمال برایشان مجازات تعزیری درجه شش است؛ از جمله: فعالیت تبلیغی علیه نظام براساس ماده 500، جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی‌شده ماده 506، توهین به امام خمینی یا رهبر فعلی ماده 514، مصادیق مختلف جعل، سوانح رانندگی منجر به صدمه بدنی و بسیاری دیگر از جرایم تعزیری مندرج در کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی. نکته مهم آنکه در هیچ‌کدام از این جرایم، مجازات تشهیر از طریق انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها قابل‌اعمال نخواهد بود، بلکه همان‌گونه که مشخص است، درجه‌بندی

1. مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شوند: «... درجه 6: حبس بیش از شش ماه تا دو سال، جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال، شلاق از 31 تا 74 ضربه و تا 99 ضربه در جرایم منافی‌عفت، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از صدور برخی اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال».

تعزیرات در ماده 19 برای راحتی کار محاکم در بررسی میزان مجازات قابل اعمال یا برخورداری مرتکب از قواعد مخففه یا نهادهای مناسب به حال مجرم، کاربرد دارد و تغییری در مجازات‌هایی که در کتاب تعزیرات برای مرتکبان جرایم مختلف پیش‌بینی شده است، ایجاد نمی‌کند؛ از این رو دادگاه نمی‌تواند به موجب ماده 19 برای مرتکبان جرایمی مانند جعل یا سوانح رانندگی یا توهین به رهبر - هرچند مجازات‌هایشان درجه شش بوده ولی در مواد مربوطه در کتاب تعزیرات برایشان مجازات انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها پیش‌بینی نشده است - دستور انتشار حکم محکومیت صادر کند. دادگاه در صورتی می‌تواند درباره اشخاص حقیقی دستور انتشار حکم محکومیت را به‌عنوان مجازات اصلی صادر کند که دو شرط موجود باشد: نخست مجازات مقرر برای جرم ارتكابی جزء مجازات‌های تعزیری درجه شش باشد؛ دوم اینکه در ماده مربوط به جرم خاص برای مرتکبان آن جرم، مجازات انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها به‌صراحت پیش‌بینی شده باشد. شمار این‌گونه جرایم بسیار اندک و نادر است؛ از این رو انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها به‌عنوان یک مجازات اصلی در مورد تعداد زیادی از مرتکبان جرایم قابل اعمال نخواهد بود و در عمل موارد استفاده فراوانی نخواهد داشت.

در نهایت بیان این نکته ضروری است که علاوه بر قانون مجازات اسلامی، در برخی قوانین خاص نیز می‌توان رد پای برخی مصادیق کیفر تشهیر را به‌عنوان مجازات اصلی مشاهده کرد. برای مثال، به موجب قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و دارویی مصوب 1367، برای برخی تخلفات از جمله گران‌فروشی در مرتبه سوم، کیفر تشهیر از طریق نصب پارچه‌نوشته (پلاکارد) در محل کسب پیش‌بینی شده است که از نظر رسواکنندگی هم‌ردیف سایر مصادیق کیفر تشهیر قرار می‌گیرد.

ب) مجازات تشهیر برای اشخاص حقوقی

شخص حقوقی به آن «گروه‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌هایی گفته می‌شود که حقوق و تکالیف مشترک و متمایزی از حقوق و تکالیف افرادی دارند که آن‌ها را تشکیل داده‌اند. مفهوم شخصیت حقوقی تعبیری اعتباری از تأسیسی حقوقی است که به‌مرور و با پیشرفت تمدن‌ها پدید آمده است» (فرج‌اللهی، 1398: 21).

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در حقوق جزای کشورهای جهان، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. فقدان دکترین واحد و راهگشا در این زمینه، موجب شده است قوانین کشورها و در پی آن

دادگاه‌ها، رویه‌های متفاوت و گاه متضادی در برخورد با این مسئله برگزینند و در نتیجه به افراط یا تفریط بگرایند؛ مانند «قانون جزای کوبا» که اجرای همه نوع کیفر (اعم از مالی و غیرمالی) را در مورد اشخاص حقوقی ممکن و روا بداند و از انحلال و تعطیل شدن شخصیت‌های حقوقی به‌عنوان مجازات‌های جایگزین اعدام و حبس سخن می‌گویند. در حقوق کیفری ما به موجب قانون مجازات اسلامی 1392 علاوه بر پیش‌بینی مجازات تشهیر برای اشخاص حقیقی به موجب ماده 19، در مواد 143 و 20 نیز مسئولیت کیفری و قابلیت مجازات برای اشخاص حقوقی به‌صراحت شناسایی شده است. در ماده 20 این قانون یکی از مجازات‌های اصلی پیش‌بینی شده برای اشخاص حقوقی، انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌هاست.²

برخلاف اشخاص حقیقی که در بند پیشین توضیح داده شد، مجازات تشهیر در مورد اشخاص حقوقی به طور گسترده‌ای با انتشار حکم محکومیت پیش‌بینی شده است. انتخاب این مجازات در اختیار دادگاه قرار داده شده است و می‌تواند متناسب با شدت جرم ارتكابی و نتایج رخ داده و همچنین گستردگی دامنه وقوع جرم، دستور انتشار حکم محکومیت شخص حقوقی را در رسانه‌ها صادر کند. برخلاف اشخاص حقیقی، به موجب ماده 20 برای شخص حقوقی اغلب یک مجازات در حکم صادره از سوی دادگاه در نظر گرفته می‌شود که آن هم ممکن است انتشار حکم محکومیت وی باشد. در مورد اشخاص حقیقی همان‌گونه که اشاره شد، انتشار حکم محکومیت اگرچه در ماده 19 پیش‌بینی شده است اما چون در مواد قانونی دیگر به این مجازات اشاره‌ای نشده است، انتشار حکم محکومیت نمی‌تواند مجازات اصلی تعزیری برای اشخاص حقیقی در نظر گرفته شود؛ حتی اگر این شخص

1. در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت اشخاص حقوقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی، به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.
2. ماده 20 قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (143) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود. این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف) انحلال شخص حقوقی؛ ب) مصادره کل اموال؛ ج) ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای پنج سال؛ ت) ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال؛ ث) ممنوعیت از صدور برخی اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال؛ ج) جزای نقدی؛ چ) انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها».

حقیقی در ارتباط با شخص حقوقی یا نماینده یا مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم شده باشد. برای صدور دستور انتشار حکم محکومیت شخص حقوقی در رسانه‌ها احراز شرایطی و توجه به نکاتی ضروری است: نخست اینکه به موجب ماده 143 قانون مجازات اسلامی، شخص حقوقی زمانی مسئولیت کیفری دارد که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. دوم اینکه دادگاه برای صدور دستور انتشار حکم محکومیت به عنوان مجازات شخص حقوقی، باید به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار ایجادشده توجه داشته باشد. دادگاه نمی‌تواند در صورتی که جرم ارتكابی شخص حقوقی شدید نبوده یا نتایج زیان‌باری برای اشخاص مختلف یا جامعه به دنبال نداشته است، دستور انتشار حکم محکومیت شخص حقوقی را صادر کند. البته تشخیص شدت و ضعف جرم ارتكابی یا فراوانی نتایج زیان‌بار، بر عهده دادگاه گذاشته شده و معیار مشخصی برای این موضوع توسط قانون‌گذار تعریف نشده است. سوم، صدور حکم مبنی بر انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها درباره اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، به کار نمی‌رود.¹ «عمل حاکمیت» عملی است که دولت از نظر داشتن قدرت عمومی و به عنوان اعمال قدرت عمومی انجام می‌دهد، مانند تأسیس معابر عمومی و میدان‌ها و استخدام مأموران رسمی. در مقابل «عمل حاکمیت»، «عمل تصدی» است که دولت آن را مانند سایر افراد جامعه انجام می‌دهد (جعفری لنگرودی، 1385: 471)، مانند دخالت دولت در اتوبوسرانی یا مترو یا اداره هتل‌ها و سینماها و مانند این‌ها.²

1. تبصره ماده 20 بیان می‌دارد: «مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود».

2. گفتنی است برخی اعمال که از جانب اشخاص حقوقی مستقل مانند بانک‌ها و برخی شرکت‌های دولتی انجام می‌شود، نه حاکمیتی است و نه تصدی. چنین به نظر می‌رسد که نمی‌توان بین این دو گروه از اعمال، خط مشخص و مستقیمی کشید، زیرا ممکن است وصف و عنوان برخی اعمال طی زمان، به جهات گوناگون تغییر کند؛ برای مثال، پس از پیروزی انقلاب بسیاری از اعمال تصدی، وصف حاکمیتی پیدا کردند مانند امور بانکداری و بیمه و تعدادی از موارد برشمرد شده در اصل 44 قانون اساسی. سپس طی زمان و بر اثر تحولاتی که ایجاد شد، بعضی از این اعمال، وصف حاکمیتی را از دست دادند و چه بسا در آینده نیز از دست بدهند. از سوی دیگر، این احتمال را هم نمی‌توان نادیده گرفت که به دلایلی، برخی از امور که اینک در زمره اعمال تصدی هستند، جنبه حاکمیتی پیدا کنند. ممکن است این موارد بینابین اداره فرودگاه‌ها یا حمل‌ونقل هوایی یا امور مخابراتی باشند. برای مطالعه بیشتر درباره اعمال حاکمیت و تصدی ن.ک: امین‌فر، رحمت‌الله (1381)، «اعمال حاکمیت و اعمال تصدی»، مجموعه حقوقی، شماره 244.

در نهایت اینکه در ماده 20 برای کیفر اشخاص حقوقی، از انتشار حکم محکومیت در «رسانه‌ها» نام برده شده است. گفتنی است رسانه دارای مفهومی گسترده‌تر از روزنامه‌های محلی و کثیرالانتشار دارد و شامل این دو مورد و موارد دیگر نیز می‌شود. به عبارت دیگر، قانون‌گذار به دادگاه اجازه داده است با توجه به آثار زیان‌باری بالایی که جرایم ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی امکان بروز دارد، دادگاه این امکان را دارد که دستور انتشار حکم محکومیت شخص حقوقی را نه در روزنامه‌های کثیرالانتشار بلکه در رسانه‌های پرمخاطب‌تر و اثرگذارتری مانند تلویزیون و رادیو نیز صادر کند؛ از این رو انتخاب نوع رسانه بر عهده دادگاه خواهد بود و در این زمینه هیچ محدودیتی وجود نخواهد داشت.

2-2-2. تشهیر به‌عنوان مجازات تکمیلی

مجازات تکمیلی زمانی مصداق می‌یابد که قانون‌گذار به قاضی اجازه می‌دهد علاوه بر مجازات اصلی و در کنار آن، مجازات‌های تکمیلی را نیز در رأی خود استفاده کند. ویژگی بارز مصادیق مجازات‌های تکمیلی، اختیاری بودن آن است؛ بدین معنا که قاضی می‌تواند از مجازات تکمیلی در کنار مجازات اصلی استفاده کند، اما در کنار مجازات‌های تکمیلی اختیاری، برخی مصادیق این نوع مجازات نیز در قانون مجازات اسلامی وجود دارد که برای دادگاه جنبه الزامی دارند. هدف عمده مجازات‌های تکمیلی، خنثی کردن حالت خطرناک مجرم یا تعیین اقداماتی برای اصلاح و بازاجتماعی کردن وی یا طرد و خنثی‌سازی عملیات مجرمانه بعدی و جلوگیری از عملیاتی است که ممکن است شخص در آینده دوباره مرتکب شود. در ادامه، مجازات تکمیلی را در دو قالب تشهیر به‌عنوان مجازات تکمیلی اختیاری، و تشهیر به‌عنوان مجازات تکمیلی اجباری مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

الف) تشهیر به‌عنوان یک مجازات تکمیلی اختیاری

براساس ماده 23 قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص¹ یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و ویژگی‌های وی، به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی مانند اقامت اجباری در

1. تردیدهای جدی درباره امکان استفاده از مجازات‌هایی علاوه بر مجازات اصلی در جرایم مستوجب حد یا قصاص در فقه، وجود دارد و بیشتر فقها مجازات مرتکب جرایم حدی یا مستوجب قصاص را صرفاً همان موارد معینه می‌دانند. برای مطالعه بیشتر ن.ک: حسینی، سید حسین (1383)، اجرای حدود اسلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، قم.

محل معین، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین یا انفصال از خدمات دولتی و عمومی محکوم کند.¹ افراد به تحمل مجازات تکمیلی محکوم می‌شوند تا اصلاح شده و بتوانند به جامعه بازگردند. برای مثال اگر فردی به حمل سلاح اقدام کرده یا علاوه بر حمل سلاح از طریق آن جرمی را مرتکب شده یا دارای حالت خطرناکی باشد، برای مدت مشخصی از حمل سلاح منع می‌شود.²

یکی از مجازات‌های تکمیلی که در ماده 23 مورد تصریح قرار گرفته است، انتشار حکم محکومیت قطعی مجرم است. در واقع مجازات اصلی قابل‌اعمال برای مرتکب جرم، کیفرهای دیگری مانند حبس، جزای نقدی یا شلاق است، ولی در کنار این مجازات اصلی و برای تکمیل آن، دادگاه می‌تواند با داشتن شرایطی و رعایت چند موضوع، دستور انتشار حکم محکومیت وی را نیز صادر کند. این شرایط عبارتند از:

1. به نظر می‌رسد مجازات‌های تکمیلی تصریح‌شده در ماده 23 از جمله انتشار حکم محکومیت، تنها درباره اشخاص حقیقی قابل‌اجرا خواهد بود. دلیل این امر، به‌کارگیری عبارت «فردی» در صدر ماده 23 است. در واقع قانون‌گذار در صورتی که قصد داشت این مجازات‌های تکمیلی را در مورد اشخاص حقوقی نیز مجری بداند، باید از واژه «شخصی» استفاده می‌کرد. همچنین گذشته از اینکه بیشتر مصادیق مجازات‌های تکمیلی تنها برای اشخاص حقیقی قابل‌اعمال است، دلیل دیگری که این نظر را قوت می‌بخشد اصل تفسیر به نفع متهم است. چنانچه قائل به شمول مجازات‌های تکمیلی درباره اشخاص حقوقی باشیم، دادگاه علاوه بر آنکه می‌تواند یک یا دو مورد از مجازات‌های ماده 20 را به‌عنوان مجازات اصلی در مورد شخص حقوقی اعمال کند، با استناد به ماده 23 و به‌عنوان مجازات تکمیلی، می‌تواند دستور انتشار حکم محکومیت اشخاص

1. باقی موارد مجازات‌های تکمیلی براساس ماده 23 عبارتند از: (ث) منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری یا تصدی وسایل موتوری؛ (ج) منع از داشتن دسته‌چک یا اصدار اسناد تجارت؛ (چ) منع از حمل سلاح؛ (ح) منع از خروج اتباع ایران از کشور؛ (خ) اخراج بیگانگان از کشور؛ (د) الزام به خدمات عمومی؛ (ذ) منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی یا اجتماعی؛ (ر) توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم؛ (ز) الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین؛ (ژ) الزام به تحصیل؛ (س) انتشار حکم محکومیت قطعی».

2. قانون سابق مجازات اسلامی درباره مجازات‌های تکمیلی بسیار کلی بود و در ماده 19 در این رابطه عنوان می‌کرد: «دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به‌عنوان تنمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم کند و از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور کند». در ماده 23 قانون مجازات اسلامی سال 1392 که جایگزین ماده 19 قانون مجازات سابق شد، در این زمینه بسیار شفاف‌تر صحبت شده است.

حقوقی را در رسانه‌ها صادر کند که مجازات اصلی برای آن در ماده 20 پیش‌بینی شده است، ولی چنین مجازاتی با توجه به توضیحاتی که پیش‌تر بیان شد، در مورد اشخاص حقوقی وجود ندارد؛ از این‌رو باید قائل به این بود که مجازات‌های تکمیلی ماده 23 از جمله انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها تنها در مورد اشخاص حقیقی قابل اعمال است.

2. مجازات‌های تکمیلی مانند انتشار حکم محکومیت علاوه بر جرایم تعزیری به موجب ماده 23 درباره مرتکبان جرایم حدی و مستوجب قصاص نیز قابل اجرا خواهد بود. به عبارت دیگر همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، قانون‌گذار در مورد این جرایم تشهیر را مجازات اصلی در نظر نگرفته است، اما به موجب این ماده ممکن است درباره مرتکبان جرایم حدی و مستوجب قصاص نیز این حکم به‌عنوان مجازات تکمیلی اعمال شود. البته در جرایم تعزیری، این حکم تنها درباره جرایم تعزیری درجه یک تا شش که شامل جرایم تعزیری شدید می‌شوند، قابل اعمال خواهد بود.

3. دادگاه در استفاده یا عدم استفاده از مجازات‌های تکمیلی و همچنین انتخاب مصادیق این مجازات، اختیار تام دارد. به دیگر سخن، قانون‌گذار با تصریح عبارت «می‌تواند» در صدر ماده 23 اختیار تصمیم‌گیری در این مورد را به دادگاه صادرکننده حکم داده و تنها اعلام داشته است که دادگاه باید مصداق مجازات تکمیلی مورد استفاده را «متناسب با جرم ارتكابی و ویژگی‌های آن» انتخاب کند.

4. چه در مورد اشخاص حقوقی موضوع ماده 20 و چه در خصوص اشخاص حقیقی موضوع این ماده، برای صدور دستور انتشار حکم محکومیت، تفاوتی در نوع جرم از جهت عمدی یا غیرعمدی بودن نخواهد بود. به عبارت دیگر از آنجاکه در ماده 23 برای به‌کارگیری مجازات تکمیلی هیچ‌گونه تصریحی درباره ضرورت عمدی بودن جرم ارتكابی بیان نشده است، دادگاه می‌تواند حتی در موارد مرتکبان جرایم غیرعمدی که انتشار حکم محکومیت ایشان را با توجه به جرم ارتكابی ضروری بداند نیز دستور لازمه را صادر کند. البته جرایم مستوجب حد یا قصاص، همیشه عمدی هستند اما این امر درباره جرایم مستوجب مجازات تعزیری صدق نمی‌کند و دادگاه محدودیتی درباره صدور دستور انتشار حکم محکومیت برای مرتکبان آن‌ها نخواهد داشت.

5. در نهایت اینکه، اگرچه برخلاف اشخاص حقوقی که به موجب ماده 20 حکم محکومیت ایشان در تمامی رسانه‌ها قابل انتشار بوده است، در ماده 23 ذکر صریحی در مورد رسانه‌ای که این حکم در آن قابل انتشار است، وجود ندارد، اما در آیین‌نامه شیوه اجرای مجازات‌های تکمیلی که در تاریخ 1392/2/1 از سوی رییس قوه قضاییه تصویب و ابلاغ شده است، انتشار حکم محکومیت

به‌عنوان مجازات تکمیلی مرتکب، تنها در روزنامه‌های محلی و برای یک بار اجرا خواهد شد و هزینه آن نیز بر عهده دادگستری است. ماده 21 این آیین‌نامه بیان می‌دارد: «چنانچه حکم قطعی دادگاه مبتنی بر انتشار آن باشد، مفاد حکم دادگاه در یک نوبت در یکی از روزنامه‌های محلی منتشر می‌شود؛ مگر اینکه دادگاه به شکل دیگری مقرر داشته باشد».

ب) تشهیر به‌عنوان مجازات تکمیلی اجباری

اگرچه مجازات‌های تکمیلی اغلب جنبه اختیاری داشته و در راستای اهداف اصلاحی یا بازدارندگی به کار می‌روند و استفاده یا عدم استفاده از آن‌ها در اختیارات دادگاه قرار داده شده است، ولی مصادیقی از این مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی یا دیگر قوانین خاص کیفری وجود دارند که دادگاه برای استفاده از آن‌ها اجبار داشته و لزوماً باید توسط دادگاه بر مرتکب اعمال شوند.¹ در رابطه با کیفر تشهیر نیز قانون‌گذار پیرامون برخی جرایم، صدور دستور انتشار حکم محکومیت را برای دادگاه الزامی دانسته است؛ از این رو باید توجه داشت «اختیار» دادگاه در استفاده از مجازات‌های تکمیلی در پاره‌ای جرایم جنبه «الزام» و «تکلیف» به خود گرفته است. به موجب ماده 36 قانون مجازات اسلامی «حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود». این جرایم با توجه به درجه اهمیت که دارند و آثار زیان‌بار فراوانی که در جامعه ایجاد می‌کنند، قانون‌گذار انتشار حکم محکومیت را الزامی دانسته و تنها استثنای این امر را اخلال در نظم و امنیت برشمرده است. به عبارت دیگر، در جرایم بیان‌شده در ماده 36، اصل بر الزامی و حتمی بودن دستور انتشار حکم محکومیت توسط دادگاه است و چنانچه دادگاه تصمیم به منتشر نکردن حکم محکومیت داشته باشد، باید با بیان دلیل احراز کند که این اقدام موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه خواهد شد.

جرایم دیگری نیز وجود دارند که با عنوان «جرایم اقتصادی» از آن‌ها یاد می‌شود و منظور از آن جرایمی است که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، دادرست داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، دریافت رشوه، کمیسیون و اعطای تسهیلات غیرقانونی به نفع خود یا دیگری ارتکاب می‌یابد (فرجیها و مقدسی، 1392: 1176). براساس این

1. محرومیت از رانندگی به مدت پنج سال مندرج در ماده 718 قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات از جمله این مجازات‌های تکمیلی اجباری است.

تعریف، جرایمی مانند اختلاس، ارتشاء، قاچاق و خرید و فروش کالای ممنوع، احتکار و عضویت در شرکت‌های هرمی نیز در دایره شمول جرایم اقتصادی قرار می‌گیرند (ر.ک ابراهیمی و صادق‌نژاد، 1392). قانون مجازات اسلامی 1392 با دنباله‌روی از قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، اصطلاح «جرایم اقتصادی» را بدون تعریف، در ماده 109 به کار برده و مصادیق آن را موارد بیان شده در تبصره ماده 36 به انضمام کلاه‌برداری البته با مبلغ یک‌صد میلیون تومان و بالاتر دانسته است.¹ در مصادیق تصریح شده در تبصره ماده 36 انتشار حکم محکومیت قطعی الزامی بوده و این حکم در رسانه ملی (اعم از رادیو و تلویزیون) یا روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود.

البته برای انتشار حکم محکومیت در تمامی مصادیق این مجازات در قانون مجازات اسلامی، «قطعی بودن» حکم صادره الزامی است. از آنجاکه مجازات‌های تکمیلی مقرر در ماده 23 و همچنین ماده 36 ضمن صدور حکم اصلی از سوی دادگاه پیش‌بینی شده است و دادگاه در صورت استفاده از این مجازات‌ها باید آن را در حکم خود به صورت صریح بیان کند، ولی این مجازات‌های تکمیلی مانند مجازات اصلی مقرر زمانی قابل اعمال خواهد بود که حکم صادره مراحل عادی اعتراض یعنی واخواهی و تجدیدنظرخواهی را پشت سر گذارده و قطعیت یافته باشد؛ بدین ترتیب انتشار حکم محکومیت مرتکبان جرایم، پیش از قطعیت حکم ایشان یا انتشار تصاویر و مشخصات متهمان در مراحل مختلف تحقیق و رسیدگی، به موجب قانون ممنوع بوده است و جرم محسوب می‌شود.

ماده 353 قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه تصریح می‌دارد: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که دربردارنده بیان ویژگی‌های شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه تنها در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افترا است»؛ از این رو تا زمانی که حکم محکومیت صادر نشده و البته این حکم قطعیت نیافته باشد، انتشار حکم یا مشخصات

1. تبصره ماده 36 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرایم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: الف) رشاء و ارتشاء؛ ب) اختلاس؛ پ) اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری؛ ت) مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معامله‌های دولتی و کشوری؛ ث) تبانی در معامله‌های دولتی؛ ج) اخذ پورسانت در معامله‌های خارجی؛ چ) تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت؛ ح) جرایم گمرکی؛ خ) قاچاق کالا و ارز؛ د) جرایم مالیاتی؛ ذ) پول‌شویی؛ ر) اختلال در نظام اقتصادی کشور؛ ز) تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی».

شاکی یا مرتکب، جرم محسوب می‌شود و نشردهنده، به مجازات افترا مقرر در ماده 697 قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات محکوم خواهد شد. البته این موضوع یعنی انتشار مشخصات متهم تنها یک استثنا دارد که در تبصره 2 ماده 353 بیان شده است: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمه‌های علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی مانند خدشه‌دار شدن وجدان جمعی یا حفظ نظم عمومی جامعه ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رییس قوه قضائیه امکان‌پذیر است»؛ بدین ترتیب مشخص می‌شود قانون‌گذار اهمیت زیادی برای حفظ آبروی فرد و جلوگیری از برچسب‌خوردن وی قائل شده است. گفتنی است این شرط (قطعیت حکم صادره برای تجویز انتشار حکم محکومیت)، در تمامی مواردی که در قانون، کیفر تشهیر پیش‌بینی شده است، ضروری خواهد بود.

نتیجه‌گیری

«تشهیر مجرم»، به معنای اعلام عمومی مجرم و جرم و مجازات او، یکی از مصادیق اقدامات تأمینی است که نه به قصد مجازات و سزادهی بلکه به منظور تنویر افکار عمومی و آگاه‌سازی آنان و در پی آن، پیشگیری از تکرار دوباره جرم توسط بزهکار، اجرا می‌شود. مجازات‌هایی مانند تشهیر با روش‌هایی مانند انتشار حکم محکومیت، دنباله کیفرهای رسواکننده است که در گذشته از روش‌هایی مانند نمایش مجرمان در میان عموم صورت می‌پذیرفت و به تدریج با ورود و ظهور مطبوعات به عرصه زندگی بشریت، اجرای این ضمانت‌اجرای رسواکننده نیز از آن مصون نمانده و اشکال نوینی مانند انتشار حکم محکومیت کیفری یا نصب پارچه‌نوشته جایگزین جلوه‌های قبلی این کیفر شده است. این ضمانت‌اجرای رسواکننده، از سوی قانون‌گذار، مستقیم و غیرمستقیم و در اشکال نوین مانند انتشار حکم محکومیت و نصب پلاکارد مورد تشریح قرار گرفته است. در حقوق کیفری ایران، تشهیر در قالب انتشار حکم محکومیت هم در گستره مجازات‌های اصلی به موجب ماده 19 قانون مجازات اسلامی آمده است و هم در شمار مجازات‌های تکمیلی قرار گرفته است. البته تا پیش از قانون مجازات اسلامی 1392، ردپای کیفر تشهیر را باید به صورت محدود و در جرایم معدودی مانند حد زنا یا تخلفاتی مانند گران‌فروشی جست‌وجو کرد، ولی در این قانون، قانون‌گذار در طیف وسیعی از جرایم، این کیفر را مورد تصریح قرار داده است که این امر از منظر آموزه‌های فلسفه کیفری و اهداف مجازات‌ها با اشکال‌هایی مواجه بوده و ممکن است آینده زندگی اجتماعی مرتکب جرم را در معرض خطر قرار دهد.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام؛ صادق‌نژاد نائینی، مجید (1392)، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم.
- امین‌فر، رحمت‌الله (1381)، «اعمال حاکمیت و اعمال تصدی»، مجموعه حقوقی، اردیبهشت، شماره 244. پاک‌نهاد، امیر (1398)، سیاست جنایی ریسک‌مدار، چاپ دوم، تهران: میزان.
- جوان، فاطمه (1387)، «تبیین فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی کیفر تشهیر»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران: پردیس قم.
- حسینی، سید حسین (1393)، اجرای حدود اسلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، قم. دوران، ویل (1387)، تاریخ تمدن، جلد اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رستمی تبریزی، لمیاء؛ زارع، محمدکاظم (1392)، «تحلیل انتشار حکم محکومیت در حقوق کیفری ایران از نگاه فلسفه کیفری»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز.
- رولان، توربر (1395)، انسان‌شناسی حقوقی، ترجمه امیر نیک‌پی، چاپ دوم، تهران: جنگل.
- شمس، عبدالله (1398)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: ادراک.
- طلیعه، منوچهر (1384)، «تحول مجازات اعدام در انگلیس»، مجله حقوق مردم، سال پنجم، شماره 18. عوده، عبدالقادر (1413ق)، التشریح الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، چاپ دوازدهم، مؤسسه الرسالة، بیروت.
- فرج‌اللهی، رضا (1398)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ دوم، تهران: میزان.
- فرجیها، محمد؛ مقدسی، محمدباقر (1392)، «پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی»، علوم جنایی، کتاب دوم، تهران: میزان.
- کدخدایی، محمدرضا (1387)، «حق کیفر و مبنای آن از نظر اسلام و مکاتب بشری»، مجله معرفت، شماره 125. لعل‌علیزاده، محسن (1381)، «بررسی مبانی و آثار اجرای علنی کیفر»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران: مجتمع آموزش عالی قم.
- مرتاضی، احمد (1393)، «بررسی مبانی تشهیر از منظر مذاهب خمس و حقوق موضوعه»، پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- معیدفر، سعید (1387)، «هویت محله‌ای و پیشگیری از جرم»، مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم. نهازی، غلامحسین (1390)، «بهینه‌سازی اجرای آشکار حدود الهی و پذیرش فراگیر مردمی»، مجله امنیت، سال پنجم، شماره 23 و 24.
- نیازپور، امیرحسین (1385)، «بازپرووی بزهکاران در مقررات ایران»، فصلنامه فقه و حقوق، سال سوم، شماره 11.

